

نظریه انتظارات عقلایی و سیاستگذاری اقتصاد کلان

مدخل :

نظریه انتظارات عقلایی که در دهه ۱۹۸۰ در مجامع آکادمیک و در محافل کارشناسی اقتصاد مطرح بوده است، همچنان موقعیت خود را به عنوان یکی از محورهای اصلی مکتب کلاسیک جدید حفظ کرده است. مقاله حاضر که به بررسی این نظریه پرداخته است، ابتدا ضمن ذکر سیر تکوین نظریات انتظارات و مقاصد نظریه انتظارات عقلایی سعی در بیان این موضوع داشته است که نظریه مورد بحث ابتدا از یک روش تحلیلی در حوزه اقتصاد سنجی برای پیش بینی بهتر متغیرها شروع شده و پسند ریح به عنوان یک مکتب فکری جای خود را در کنار سایر مکاتب فکری اقتصاد باز کرده است. در تحلیل های بخش اول مقاله برخی دستاوردهای معرفت شناسانه نظریه ذکر شده و نشان داده شده که چگونه مکتب کلاسیک جدید با استفاده از انتظارات عقلایی به یک نظام فکری دست یافته است. در بخش دوم مقاله از دیدگاه ابزارشناسانه، کاربرد نظریه در سیاستهای اقتصادی (پولی - مالی) بویژه در مبارزه با تورم و بیکاری تبیین شده و در پایان مقاله به اثرات انتظارات عقلایی در ادبیات اقتصادی و اندیشه اقتصاد دانان اشاره شده است.

طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تحولاتی در اقتصاد کشورها رخ داد که نتیجه آن عدم اطمینان سابق نسبت به سیاستهای تثبیتی پیشنهادی کینز بود. نارسائی نظریه کینز ناشی از تجدید نظر در بینش عوامل اقتصادی (۱) و شیوه نگرش آنها نسبت به موضوع "انتظارات آتی" متغیرهای اقتصادی بود. بدین ترتیب بحث "انتظارات" در ادبیات اقتصاد ی زمینه لازم برای تحول و سپس تکامل اقتصاد کلان را فراهم کرد.

تحلیل مکانیسم شکل گیری انتظارات (۲) نخستین بار در سال ۱۹۶۰ توسط جان اف. مات (۳) تحت عنوان "انتظارات تطبیقی" (۴) پیرامون انتظارات قیمتی مطرح شد.

انتظارات تطبیقی از دیدگاه جان اف. مات چنین تفسیری شود: تشکیل "انتظارات" درباره ارزش آتی يك متغیر (مانند متغیر قیمت) تنها براساس ارزشهای قبلی متغیر مربوطه است. عوامل اقتصادی، انتظارات آتی خود درباره يك متغیر را در پرتو تجربه شان از ارزش متغیر و تطبیق آن به آینده شکل می دهند. نظریه انتظارات تطبیقی هر چند از لحاظ منطق استدلال نسبت به نظریه بعدی مات یعنی "انتظارات عقلایی" ضعیف تر است ولی بخاطر سهولت کاربرد در مدل های اقتصادی بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد.

یکسال بعد مات در مقاله دیگری به بحث درباره "انتظارات عقلایی" پرداخت، وی بمنظور

توضیح اینکه چگونه انتظارات شکل گرفته اند، این فرضیه را که انتظارات اساساً همان پیش بینی مناسب

۱ - Economic agents

۳ - John.F. Muth

۲ - Expectations

۴ - Adaptive expectation

بر اساس تئوری های اقتصاد ی است مطرح نمود ه و انتظارات عقلایی راتبیین ساخت . با این اعتقاد که بکارگیری اصل رفتار عقلایی انسان اقتصاد ی حکم می کند که در شکل گیری انتظارات و دیدگاه فرد نسبت به آینده اطلاعات اقتصاد ی اکتساب شود . همچنین این نظریه مدعی است که افراد در پیش بینی خود دچار خطای سیستماتیک نمی شوند و حدس های آنها درباره آینده بطور متوسط صحیح است . افراد تمامی اطلاعات متناسب و در دسترس را برای دستیابی به دیدگاهی درباره آینده بکار می برند و همچنین اطلاعات را تا آنجا بکار می برند که هزینه نهایی اکتساب و پردازش اطلاعات مساوی منفعت نهایی بدست آمده از آن فعالیت باشد . در حالت حدی (نهایی) جایی که اطلاعات کامل است و هیچ عدم اطمینانی وجود ندارد ، فرضیه انتظارات عقلایی می تواند به پیش بینی کامل دست یابد . بدین ترتیب با طرح " انتظارات " مساله زمان وارد مدل های اقتصاد ی شده و مدل به صورت پویا درمی آید . با این حال دهه اول زندگی فرضیه در سکویتی حیرت انگیز سپری گشت و تنها جمعی از تحلیل گران بازار مالی از آن استفاده کردند .

به اعتقاد پایه گذاران نظریه انتظارات عقلایی این نظریه ادعاهای ذیل را دارد :

- ۱ - اطلاعات کمیاب است و سیستم اقتصاد ی عموماً آنرا تلف نمی کند .
- ۲ - طریقی که انتظارات شکل می گیرد بطور مشخص بستگی به ساختار سیستم اقتصاد ی دارد .
- ۳ - " پیش بینی عمومی " تاثیر اساسی بر نحوه عمل سیستم اقتصاد ی نخواهد داشت .
- ۴ - این نظریه یک مفهوم تعادلی است که می تواند در مدل های اقتصاد ی دینامیک که دارای عناصر خود مرجعی (۱) هستند بکار گرفته شود . در این قبیل مدلها ، متغیرهای درون زار انتظارات

مربوط به ارزشهای آتی متغیرهای اقتصادی تاثیر می پذیرند . مدلهای دارای تاخیرات توزیعی در اقتصاد سنجی از این مقوله اند .

مطالعه سیر تحول و تکامل منحنی فیلیپس ، سیر تحولات نظریه انتظارات را روشن می سازد .

زمینه ها و تحول تاریخی :

نظریه انتظارات در اوائل دهه ۱۹۷۰ به عنوان روایتی از منحنی فیلیپس مطرح گردید و در برگیرنده انتظارات قیمت بود . سپس الگوی انتظارات تطبیقی به عنوان جانشین های تجربی برای متغیر انتظارات قیمت که غیر قابل مشاهده بود مورد استفاده قرار گرفت . پس از مدتی دریافتند که الگوی انتظارات تطبیقی عمدتاً بیان نادرستی از چگونگی تنظیم انتظارات قیمت از سوی مردم است . الگوی یاد شده ، رفتار انتظاراتی ساده ای را فرض می نماید ، بطوری که مردم انتظارات خود را منحصراً از طریق محاسبه متوسط وزنی ناشی از تجربه گذشته قیمت ها شکل می دهند و وزن های مورد بحث نیز ثابت بود و مستقل از شرایط اقتصادی واقعات سیاستگذاری هستند . بدین ترتیب مردم تنها به تغییرات گذشته قیمت ها توجه می کنند و سایر اطلاعات از جمله تغییرات نرخ رشد پول و نرخ ارز ، مقاصد سیاستگذاری اعلام شده و مانند آنرا که می توانند در جهت کاستن خطاهای انتظاراتی مورد استفاده قرار گیرند ، نادیده می گیرند . به هر حال اینکه مردم از اطلاعاتی که موجب بهبود در صحت انتظارات ایشان می شود ، بی بهره می مانند از دیدگاه نظریه انتظارات تطبیقی امری غیر قابل تردید است . به همین جهت نواقص فرضیه انتظارات تطبیقی در جهت الگوسازی انتظارات منجر به ابداع انتظارات عقلایی در تحلیل های منحنی فیلیپس شد . برطبق فرضیه انتظارات عقلایی هنگامی که افراد مبادرت به پیش بینی قیمت می کنند ، از تمام اطلاعات مرتبط و موجود در مورد فرایند تورمی استفاده خواهند کرد . از اینرو افراد بطور سیستماتیک در پیش بینی هایشان مرتکب خطا

نمی شوند • به عبارت دیگر حدس هایشان درباره آینده بطور متوسط صحیح است • بنابراین در مواردی که اطلاعات کامل است و هیچ عدم اطمینانی وجود ندارد این فرضیه می تواند پیش بینی درستی ارائه دهد •

اگر موضوع انتظارات رابعمق بیشتری بررسی نماییم درمی یابیم که طرح نظریه انتظارات ریشه در روشهای فکری گذشته دارد • در واقع در روش فکری که از ابتدا در اقتصاد کلان وجود داشت، در دهه ۱۹۶۰ دوباره مطرح گردید • یک مکتب معتقد بود که اگر بازارها رابه حال خود رها کنیم به بهترین نحو عمل خواهند کرد و مکتب دیگر معتقد بود که مداخله دولت می تواند بطور قابل ملاحظه ای عملکرد اقتصاد رابهیود بخشد • دهه ۱۹۶۰ شاهد طرح اینگونه مباحث توسط دو گروه از طرفداران کینز بود • در یک طرف پولی گرایان (۱) به رهبری میلتون فریدمن و در طرف دیگر فرانکو مودیلیانی و جیمز توبین قرار داشتند •

در دهه ۱۹۷۰ بحث درباره همان موضوعات توسط گروه جدیدی با عنوان دانشمندان کلاسیک جدید (۲) مطرح گردید در همین مرحله بود که نظریه انتظارات تطبیقی رداشته و انتظارات عقلایی عنوان شد • رابرت لوکاس در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ وید نیال وی توماس سارجنت، نیل والاس و رابرت بارو، دامنه نظریه انتظارات عقلایی را گسترش دادند • این گروه از اقتصاددانان در ادبیات اقتصاد کلان طی دهه ۱۹۸۰ همچنان بانفوذ و موثر باقی مانده اند •

مکتب کلاسیک جدید دارای دو محور اساسی است: ۱ - نظریه انتظارات عقلایی و ۲ - کارایی

تعداد بازار • این دیدگاه همچنین در بسیاری از موضوعات سیاست اقتصادی با فریدمن مشترک است •

ادبیات مذکور جهان را به عنوان جامعه ای می داند که افراد بطور عقلایی بر اساس نفع شخصی در بازار عمل می کنند و به سرعت با تغییر شرایط ، خود را تعدیل می نمایند . به همین جهت معتقدند : دولت بامد اخله خود امور را بدتر خواهد کرد . در واقع ادبیات جدید مبارزه ای با اقتصاد کلان سنتی است که برای فعالیت مفید دولت در اقتصاد نقشی قائل است و لذا امد اخله دولت در امور اقتصادی را به عنوان تعدیل کننده ای تدریجی می داند که به دلیل انعطاف ناپذیری های موجود در برخی بازارها ، فقر اطلاعات و مسائل سیاسی - اجتماعی نمی تواند حصول تعادل در بازارها (۱) را تسریع نماید . بلکه حتی آنرا تهدید می کند . به اعتقاد نظریه " انتظارات عقلایی " ، ساخت انتظارات هوشمندانه صورت می گیرد . ادعای بزرگ فرضیه انتظارات عقلایی این است که هر چند در تشکیل انتظارات صحیح بدلیل کمبود اطلاعات مخاطراتی وجود دارد ولی " عدم اطمینان نسبت به انتظارات عرفی و منطقی " نمی تواند نقشی بازدارنده در حرکت های فردی و جمعی برای پیش بینی روند آتی داشته باشد . بپذیرفتن این فرضیه ، دیدگاه برنامه ریزی در اقتصاد کاملاً دگرگون می شود . از طرف دیگر عقلایی بودن ایجاد می کند که خطاهای انتظاراتی جاری با خطاهای گذشته و سایر اطلاعات شناخته شده همبستگی نداشته باشند و گویی با تصحیح خطاهای گذشته ، پیش بینی های قیمت با دقت بیشتری صورت می گیرد . هم اکنون نظریه انتظارات عقلایی بصورت " روش تعادل مدوم بازار - انتظارات عقلایی " تکامل یافته و به عنوان اصل مرکزی مکتب کلاسیک جدید مطرح است . توجیه سودگری کالایی با در نظر گرفتن انتظارات عقلایی چنین است : در وضعیت کنونی با افزایش قیمت کالا ، طبق قانون تقاضا میزان تقاضای افراد از آن کالا کاهش می یابد ولی اگر مردم

پیش بینی کنند که براساس عملکرد گذشته اقتصاد، قیمت‌ها در آینده افزایش خواهد یافت، آنگاه تقاضای مصرف کنندگان افزایش می‌یابد و انتظارات عقلایی مربوط به قیمت در افزایش تقاضای مصرف کنندگان تجلی می‌گردد. از طرف دیگر تولید کنندگان با پیش بینی افزایش قیمت اقدام به انبارداری (احتکار) کردن کالا می‌نمایند. چنین عملکردی توسط مصرف کنندگان و تولیدکنندگان براساس انتظارات عقلایی پدید می‌آید و سودگری کالا را بوجود می‌آورد.

علاوه بر آن طرفداران این مکتب معتقدند انتظارات مبتنی بر تمام اطلاعات متناسب اقتصادی است. معتقدان به اقتصاد کلان کلاسیک جدید مانند پولی‌گرایان تمایل به دیدگاه‌های محافظه کارانه دارند و نقش بالنسبه کوچکی برای سیاست فعال دولت در اقتصاد قائل هستند. زیرا اینان قائل به تعادل بازارها می‌باشند و می‌گویند: مردم به دنبال منافع خود هستند و در نتیجه فضای اندکی برای دولت جهت بهبود اوضاع اقتصادی باقی می‌ماند. در این صورت سیاست دخالت فعال دولت به ندرت می‌تواند موفقیت آمیز باشد زیرا عکس العمل نگاه‌های اندیشمندان مصرف کنندگان عقلایی در مقابل عملکرد دولت، بستگی به نحوه فکرکردن بخش خصوصی در باره اهداف سیاست‌های دولت دارد. برغم آنچه گفته شد، با وجود اشتراک در موارد بسیار، اقتصاددانان کلاسیک جدید ضرورتاً پولی‌گرا نیستند.

در بحث مصرف نظریه انتظارات عقلایی بیشتر با تئوری درآمد دانی سازگار است زیرا به نحو بهتری می‌تواند با توجه به رفتار گذشته درآمدی فرد، در باره درآمد‌های آتی فرد اظهار نظر و پیش بینی کند. هر چند ترکیبی از پیامدهای انتظارات عقلایی و تئوری مصرف چرخه زندگی - درآمد دانی در توضیح امر کاملتر و پیشرفته تر خواهد بود.

سیاستگذاری اقتصاد کلان از دیدگاه نظریه انتظارات عقلایی :

الف - تورم : پاسخ دادن به این پرسش که تورم مورد انتظار، جبران تورم گذشته یا

اجتناب از تورم آینده است ؟ چندان آسان نیست . نظریه ای که طی دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برای پاسخ به این پرسش عمدتاً مورد استفاده قرار گرفت ، نظریه انتظارات تطبیقی بود . در نظریه مزبور تجزیه و تحلیل تورم بر اساس رفتار گذشته قیمتها صورت می گرفت بنابراین در نظریه انتظارات تطبیقی ، نرخ تورمی که برای سال بعد مورد انتظار است ، در واقع انطباق نرخ تورم سال گذشته است . در این صورت نظریه مزبور قادر به بیان این مطلب نیست که تورم موجود نمایانگر تورم مورد انتظار است یا جبران تورم گذشته .

دیدگاه انتظارات عقلایی بسیار وسیعتر و کلی تر از نظریه قبلی است ، زیرا چنین استدلال می کند که تعیین کننده های نرخ تورم مورد انتظار می تواند از رفتار واقعی تورم نشأت گیرد . فرضیه انتظارات عقلایی نظریه ای است که مردم انتظارات شان از تورم (یا هر متغیر اقتصادی دیگر) را بر اساس تمام اطلاعات در دسترس اقتصادی درباره رفتار آینده آن متغیر بنامی سازند و در تشکیل انتظارات مرتکب خطاهای سیستماتیک نمی شوند (مانند پیش بینی تورم کمتر از واقع) ، به همین جهت تنها تغییرات غیرمنتظره در سیاست پولی دارای اثرات واقعی خواهد بود .

فرضیه انتظارات عقلایی پیشنهاد می کند که بهترین حالت آن است که در فرموله کردن سیاست اقتصادی فرض نماییم مردم بزودی درمی یابند که چگونه یک سیاست خاص عمل می کند و به همین جهت یک سیاست اقتصادی در مدت زمان محدودی عمل کرده و موثر می گردد .

طی دهه ۱۹۸۰ طرح انتظارات عقلایی توانسته است تئوری اقتصاد کلان را متحول ساخته و

آنها بازسازی نماید. همانطور که ذکر گردید یک درک ساده، انگیزه ایجاد ایده انتظارات عقلایی بود:

" مردم بطور سیستماتیک اطلاعاتی که در دسترس آنهاست می تواند برای بهبود تصمیمات شان مورد استفاده قرار گیرد رانادیده نمی گیرند " هر چند فرضیه انتظارات عقلایی با مجموعه جدیدی از مفاهیم و بازیان جدیدی استدلال می نماید ولی هدفش تنها ارائه جواب های جدید به سوالات قدیمی نیست، بلکه دیدگاههای جدیدی نیز در باره سوالات قدیمی ارائه می دهد. شاید یکی از دلایل مقاومت در برابر نظریه انتظارات عقلایی در اقتصاد کلان همین کنار گذاشتن و تغییر تدریجی زبان سنتی و ابزارهای کاربرد در اقتصاد کلان بوده است.

در بررسی تورم از دیدگاه نظریه مورد بحث در اصل باید مورد توجه قرار گیرد:

۱ - اصل وابستگی متقابل استراتژیک (۱) : مقصود از این اصل آن است که الگوی رفتاری یک فرد بستگی به الگوهای رفتاری سایر افراد دارد که محیط وی را شکل می دهند. هنگامی که الگوهای رفتاری عواملی که محیط فرد را شکل می دهند تغییر کند، آن فرد می تواند از تعدیل الگوی رفتاری خود منتفع گردد. این اصل در قلب تئوری انتظارات عقلایی جای دارد، در حالیکه در ادبیات اقتصاد کلان طرفداران کینز نادیده گرفته شده بود.

۲ - اصل هماهنگی سیاستهای پولی و مالی : از این دیدگاه، در مان " پولی محض " (۲) برای تورم وجود ندارد. البته در صورتی که در مان پولی محض به معنای سیاستی باشد که می تواند توسط بانک مرکزی بدون کوچکترین کمکی از مقامات مالیاتی و هزینسه ای به اجرا درآید. در غیر اینصورت در مان پولی و مالی بصورت هماهنگ، موثر خواهد بود.

۱ - The principle of Strategic interdependence

۲ - Purely Monetary

د رنظرگرفتن د واصل فوق الذکر د رقالب نظریه انتظارات عقلایی مارافاد خواهد ساخت

تابتوانیم شروع وپایان حالتهای تورمی را تفسیر نماییم .

توماس سار جنت د رکتاب " انتظارات عقلایی و تورم " (۱) تحلیل خود را بر اساس اقتصاد

کلان بازسازی شده با توجه به نظریه انتظارات عقلایی آغاز نموده و ضمن آن مدلهای اقتصادسنجی

را بر طبق قوانین بازی (۲) تفسیر می نماید . در این ارتباط از پیش بینی درباره برد و یا باخت

تیم های فوتبال استمداد می جوید و بازیکنان این بازی پویای اقتصاد را دارای یک استراتژی می داند .

از نظر سارجنت صحنه هراقتصادی شامل ۳ بازیگراست : ۱ - عموم مردم ۲ - مقامات پولی

۳ - مقامات مالی . عموم مردم شامل خانوارها ، کارگزاران دولتی و اعضای شرکتهای سهامی هستند که

در صورت استقلال بانک مرکزی ، تصمیمات مربوط به مصرف ، سرمایه گذاری ، اشتغال بخش خصوصی و

پرداخت مالیات را به عهده دارند . مقامات مالی تصمیم گیرنده درباره هزینه های عمومی و نرخهای

مالیات هستند و مقامات پولی از طریق ابزارهای سیاست پولی بر حجم پول تاثیر گذاشته و فعالیتهای

اقتصادی را هدایت می نمایند .

د رنظریه انتظارات عقلایی عکس العمل متقابل بازیگران صحنه اقتصادی به عنوان یک تیم

بررسی می شود . عدم هماهنگی سه بازیگر صحنه اقتصادی مشکلاتی می آفریند . بر اساس رژیم ریکاردو

تصمیمات مقامات پولی بر سیاستهای مالی تاثیر می گذارند ولی بر اساس رژیم فرید من ، تصمیمات

مقامات مالی وجوده ای بر تصمیمات مقامات پولی برتری دارد . واقعیت آن است که هر کدام از دو

۱ - Sargent, Thomas, " Rational expectation and inflation , " Harper & Row , U.S.A , 1986

۲ - Rules of the game

رژیم قطبی (۱) یاد شده مسئولیت نسبی در شروع تورم رابه عهده دارند و سپس سایر سیاست‌های دولت برتند اوم تورم تاثیرمی گذارد . تحت رژیم فرید من کسری بودجه پیامد های فوری و مستقیم روی تورم دارد . ازاینرو در سیاست مالی باید روند تعادل درآمد - هزینه را در پیش گرفته . اما پایان تورم : مقابله باتورم تازنده در کشورهای آلمان ، اتریش ، مجارستان و لهستان باتوجه به تحلیل تئوری بازی ها براساس نظریه انتظارات عقلایی بنابه اعتقاد سارجنت از دوطریق صورت گرفته است :

اول : ایجاد بانک مرکزی مستقل که در مقابل کسری بودجه دولت مقاومت به خرج داده و ازتزیق اعتبار جدید ممانعت بعمل آورده است (رژیم فرید من) .

دوم : تغییرهمزمان رژیم سیاست مالی (رژیم ریکاردو) .

اقدامات اخیرالذکر مرتبط و هماهنگ به اجرا درآمد و بدین ترتیب از تورم بسیار شدید جلوگیری بعمل آمد . بدین ترتیب پایان چهارتورم بزرگ در کشورهای فوق الذکر با استفاده همزمان از دسیاست پولی و مالی صورت گرفته است . روشهای دیگری نیز برای مهارتورم های معتدل براساس تفسیر انتظارات عقلایی وجود دارد که در روش عمده روشهای پوینکر در فرانسه و تاچر در انگلستان است . روشهای مذکور دیدگاه خوشبینانه ای از کارایی برنامه ریزی برای روند تدریجی سیاست پولی انقباضی ، همزمان با کاهش تدریجی کسری دولت ارائه می دهد و بدین ترتیب تورم را مهار می کند .

ب - بیکاری :

پرچم پولی گرایان که توسط فرید من برافراشته شد ، بدست رابرت لوکاس در نظریه انتظارات عقلایی مجدداً به اهتزاز درآمد . لوکاس با استفاده از این نظریه بازار کار را مورد تحلیل قرار داد . وی در مکتوبات خود چنین نگاشت :

" هر چند مردم دارای اطلاعات کامل از بازار کار نیستند، اما این امر عامل ایجاد دوره های طولانی بیکاری وسیع نخواهد بود، زیرا افراد با استفاده از تئوریها و اطلاعات اقتصادی شان در بازار کار چنان عمل می کنند که گویا دارای اطلاعات کافی از بازار هستند. دولت نیز نمی تواند بر حجم بیکاری تاثیر قابل ملاحظه ای بجای گذارد، بلکه تنها بر نرخ بیکاری تاثیر می گذارد." ۰

دیدگاه لوکاس نقش مهمی در توسعه اندیشه پولی گرایان جدید ایفا کرد و نظریات منتشر شده توسط پولی گرایان را تقویت کرد و با اتکا، بر اینکه سیاستگذاری دولت برای ایجاد تحول در بازار کار اساسا ناتوان است، در توابع بیکاری از تاخیرات توزیعی نیز بهره جست. به اعتقاد نظریه پردازان انتظارات عقلایی اگر دولت بین ۲ تا ۷ سال در بازار کار مداخله نکند، این بازار به تعادل می رسد. لوکاس توجه آنرا در تاخیر زمانی در اکتساب اطلاعات (۱) و همبستگی پیاپی موجودی سرمایه در مدت زمان معینی می داند.

تاخیر در دریافت اطلاعات اقتصادی هنگامی رخ می نماید که به علت عدم آگاهی عموم از، موجودی اولیه سرمایه در سیستم اقتصادی عوامل اقتصادی، موجودی پولی را کمتر بر آورد نمایند و همین امر به نوبه خود باعث بر آورد کمتر سطح قیمت ها می گردد.

به اعتقاد فیشر قرارداد های کارگری که به شاخص نرخ تورم مرتبط باشد می تواند قدرت خرید نیروی کار را در حالت تورمی بر اساس انتظارات عقلایی حفظ کند.

نظریه جستجو (۲) در بازار کار به معنای انجام فعالیتهای جستجوگرانه برای بدست آوردن اطلاعات کامل از بازار کار به واسطه بسط ایده انتظارات عقلایی پدیدار گشت. در هیچ یک از دو

مکتب کلاسیک و کلاسیک جدید، بیکاری به عنوان یک مساله اقتصادی قلمداد نمی‌گردد، زیرا معتقدند بیکاری نمی‌تواند به طور دائمی وجود داشته باشد. اعتقاد به کارکرد کامل بازار دلالت بر این دارد که تنها موردی که ممکن است بیکاری پدید آید در حالتی که دستمزدها بالاتر از دستمزد تعادلی بازار کار قرار داشته باشد، در این مورد برقراری بیمه بیکاری و فعالیت اتحادیه‌های کارگری از ظهور پدید بیکاری در سطح گسترده جلوگیری می‌کند. بنابراین کارگران با توجه به انتظارات عقلایی پیش‌بینی بهتر و واقع‌بینانه‌تری از سطح آتی قیمت‌ها دارند.

پیامدهای انتظارات عقلایی در سیاستگذاری اقتصادی:

نظریه انتظارات عقلایی منجر به یک دیدگاه پیچیده از سیاستگذاری اقتصادی گردیده است. در واقع فرضیه مورد بحث اعتقاد دارد که عوامل اقتصادی بطور مکانیکی به هر تغییر سیاستی واکنش نشان نمی‌دهند، بلکه می‌کوشند تا دریابند که معنای تغییر سیاست اقتصادی برای رفتار و عملکرد اقتصاد چیست و در سیاست اقتصادی آینده چه تغییراتی ایجاد خواهد شد. آنگاه براساس آن رفتار خود را شکل می‌دهند. به همین لحاظ در عنصر مهم سیاستگذاری در اقتصاد کلان طبق این نظریه چنین عنوان می‌شود:

۱ - معتبر بودن (۱) عکس العمل افراد نسبت به تصمیمات اقتصادی، بستگی به تفسیرشان درباره تصمیمات آتی در سیاست اقتصادی دارد. به عنوان مثال فرض کنید بانک مرکزی اعلام کند که نرخ رشد پول و استقرار از بانک مرکزی یا خزانه داری و ۰۰۰۰ کاهش خواهد یافت. در صورتی که مردم به اعلان بانک مرکزی اعتماد داشته باشند، درخواست افزایش حقوق و دستمزد برای مقابله با تورم

نداشته و نتیجتاً بانک مرکزی قادر نخواهد بود نرخ رشد پول را کاهش دهد بدون آنکه هیچ هزینه مشخصی متحمل گردد. از طرف دیگر صورتی که مردم به بانک مرکزی یا مسئولان اقتصادی اعتماد نداشته باشند در تبعیت از تصمیمات آنها دچار تردید شده یا از آن اجتناب می‌ورزند. زیرا اعتبار سیاستگذاری از دست رفته است و بدان جهت سلب اعتماد عامه عامل عدم موفقیت سیاستگذاری اقتصادی می‌شود.

۲ - رفرم نهادی (۱) روش انتظارات عقلایی تعادل بازار، همچنین برای دستیابی به تغییرات مطلوب در رفتار اقتصادی عموم از تغییرات نهادی استفاده می‌کند و بیش از آنکه به تعیین سیاست مشخص اقدام کند، بدنبال اصلاح و بهبود عملکرد سیاستهای سنتی تجربه شده و موثر با روشهای نوین و تحلیلهای انتظارات است.

اعضاء مکتب انتظارات عقلایی در مورد امکان پیش بینی چگونگی پاسخ و عکس العمل عموم مردم در کوتاه مدت نسبت به تغییر سیاستی خاص شك دارند زیرا پاسخ عموم مردم مستکی به چگونگی تاثیر اقدامات سیاسی بر انتظارات دارد. البته در بلندمدت پیش بینی اثرات سیاستها بر تصمیم و عکس العمل عموم مردم کاملاً امکان پذیر است.

اعضای مکتب انتظارات عقلایی همچنین حامی هرگونه اصلاح اساسی در تراز بودجه هستند. زیرا اصلاح عدم تعادل بودجه دولت دارای اثر بسیار قوی بر انتظارات عموم است.

همچنین در مواجهه با تورم دهه ۱۹۸۰، بهترین راه برای تغییر رفتار بانکهای مرکزی در انتشار پول را تغییر محیط نهادی می‌دانند که سیاست اقتصادی در آن عمل می‌کند.

علاوه بر آن طرفداران این مکتب درباره سیاستهای پولی بسیار حساس و دقیق هستند و معتقدند: تنها تغییرات غیرمنتظره و غیرقابل پیش بینی پول توسط عموم مردم بر تولید واقعی تأثیری گذارد. شعار دیگری که بدان اعتقاد راسخ دارند این است که "انتظارات عموم مردم سرانجام به واقعیت دست می یابد".

از اینجا شاید بتوان نقاط مشترک و وجه تمایز نظریه پولی گرایان و طرفداران نظریه انتظارات عقلایی را جملاً شناخت:

در حالی که پولی گرایان فرض می کنند انتظارات بطور سیستماتیک ممکن است صحیح نباشد و بازارها به کندی به تعادل می رسند، پیروان نظریه انتظارات عقلایی تقریباً خلاف آنرا معتقدند. تحلیل پولی گرایان در چارچوب تحلیل کینزی می گنجد، در حالی که نظریه انتظارات عقلایی معتقد است که چارچوب استاندارد کینزی اساساً ناقص است و دقیقاً به همین جهت است که مکتب کلاسیک جدید گسترش یافته است و چنین استدلال می کنند که اطلاعات ناقص مسئول چرخه تجاری (۱) است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که روش مورد بحث در واقع یک حمله رادیکال به ادبیات استاندارد و سنتی اقتصاد کلان است.

مکتب کلاسیک جدید تاکنون اثرات ذیل را داشته است:

- تأثیر اساسی در روش اندیشیدن و تجزیه و تحلیل اندیشمندان سیاستگذاران اقتصادی.
- طرح انتظارات عقلایی به عنوان تئوری پیشرفته در تفسیر انتظارات.
- ایجاد یک دستگاه تحلیلی در اقتصاد کلان که در ارزیابی عملکرد اقتصاد به تحلیل انتظارات

عموم مردم اتکاء دارد .

- این مکتب بسیارستیزه جو، پرخاشگر و شکننده چارچوبهای سنتی اقتصاد کلان است .
- اغلب اقتصاددانان هم اکنون اشکالی از انتظارات عقلایی را پذیرفته اند و در تفسیر پدیده های اقتصادی آنها به عنوان یک عنصر مهم مد نظر قرار می دهند .
- در پایان می توان گفت هر چند نظریه انتظارات عقلایی به افراد و بینگاہهای اقتصادی کمک می کند تصمیمات بهتری اتخاذ کنند و فعالیتهای شان بهینه باشد ولی ممکن است انسانها به طور عقلایی این رویه را انتخاب کنند که برای تبعیت از موازینی که به طور منطقی واستدلالی پذیرفته اند ، بر اساس تحلیلهای انتظارات عقلایی و رویه انسان اقتصادی مورد نظراقتصاد متعارف رفتار نکنند .
- در این صورت مکتب کلاسیک جدید در تحلیل تعادل کلی اقتصاد موفق نخواهد بود .

منابع :

- ۱- Barro , Robert, " Rational expectations and the role of Monetary Policy " Journal of Monetary Economics " 1976. Vol:5.
- ۲- Chow , Gregory " Econometrics " , Mc Grow Hill , 1983 , Chapter 11.
- ۳- Fischer, Standly & Durnbuch, " Macroeconomics, " 1984 . 4th edition.
- ۴- Humphrey, Thomas, "The evolution and policy implications of phillips curve analysis, " Economic Review, Mc Grow Hill

- 1985 , volume 20 , Federal Reserve Bank of Richmond.
- ۵ - "Macmillan Dictionary of Modern Economics", 1986, U.S.A.
- ۶ - Sargent, Thomas & Lucas, Robert, "Rational expectations : Theory and Practice , London .1981 .
- ۷ - Sargent, Thomas & Wallace, Neil, " Rational expectations and the theory of Economic policy." Journal of Monetary Economics " , 1976 , Vol .5.
- ۸ - Sargent, Thomas, " Rational Expectations & Inflation," Harper & Row . New York , 1986.
- ۹ - Branson, William ; . " Macro Economic Theory and Policy", third edition , 1989 , Harper & Row publishers.
- ۱۰ - "The New Palgrave Dictionary of Economics", edited by : John Eat Well & others , Macmillan press , 1987.
- ۱۱ - Muth, John, F, " Optimal Properties of Exponentially - Weighted Forecasts ". Journal of " American Statistical Association " 1960. Vol.55.
- ۱۲ - , " Rational Expectations and the Theory of Price Movements , " Econometrica", Vol,29, No.3, July 1961.